

در گفتگو با مدیر ستاد ترویج احکام بررسی شد/ قسمت چهارم حدود و ثغور فقهی افشاگری در رسانه دینی

پایگاه وسایل - حجت الاسلام وحیدپور ضمن اشاره به اعتراض علنی و شدید اللحن امیرالمؤمنین نسبت به عمل ناشایست استاندارش گفت: امام افشای سر نکردند، استاندارش کار علنی کرده بود رفته بود سر سفره اشراف و دید مردم را نسبت به اسلام و حکومت اسلامی بد کرده بود، یعنی آنها فکر کرده بودند که اسلام همین است که با زور مداران و با قدرتمندان بنشیننی و فقرا را فراموش بکنی، امیرالمؤمنین اینجا بایستی صدایش در بیاید، اما این برخورد برای هر گناه علنی نیست

به گزارش سرویس فرهنگ و هنر پایگاه وسایل در ادامه گفتگو با حجت الاسلام وحیدپور استاد سطوح عالی حوزه و مدیر ستاد ترویج احکام با توجه به اهمیت و نقش پررنگ رسانه ها در فرهنگ سازی و نیز نگاه اسلام به مساله کرامت انسانی، نظرات فقهی ایشان را در رابطه با چگونگی رعایت کرامت انسانی در رسانه ها و در عین حال افشای برخی مسایل که از اولویت های ممتاز رسانه های امروز است جویا شدیم که در ادامه تقدیم می گردد.

وسایل - نقش رسانه ها در جهان امروز، در تقویت باورهای دینی را به چه مقدار می بینید؟

اگر کلی بخواهیم بگویم که نقش بسیار زیاد و فوق تصویری دارند، بسیار بیشتر از آن چیزی است که ما ها فکر می کنیم، ما خیلی محدود فکر می کنیم ولی در جهان امروز واقعا رسانه نقش اول را دارد مقام معظم رهبری می فرمایند: «امروز جنگ دنیا جنگ رسانه هاست» یعنی خود آنها به این نتیجه رسیده اند که اسلحه نمی تواند آن طوری که می خواهند آنها را به هدف ولی رسانه می تواند، کاربرد رسانه هنوز برای ما واضح نشده، رسانه را شاید در حد فیلم یا اخبار تلویزیون می بینیم و می گوئیم رسانه این است، شما سوار هواپیما که می شوید در آسمان که قرار می گیرید تمام کلانشهر تهران با وسعت بسیار زیادی که دارد در زیر دید شماست، رسانه به نظر بنده حالتش به همین صورت است، رسانه حاکم بر دنیاست، اسلحه با جان مردم سر و کار دارد اما رسانه با افکار و روح مردم سر و کار دارد، رسانه اگر حاکم بشود فکر را عوض می کند و فکر را به گونه ای که خودش بخواهد می سازد و در خدمت خودش می گیرد، رسانه روح، روحیات، دین، زندگی، خانواده، اقتصاد، سیاست، را در بر می گیرد، یک حوزه خاص ندارد، رسانه در خانواده تأثیر گذار است و امروزه این تأثیرات را در خانواده های ایرانی می بینیم، آمار طلاق بسیاری اش مربوط به همین رسانه به معنای عام است که شامل فضای مجازی و از این قبیل می شود، رسانه در اقتصاد تأثیر گذار است، چه مقدار می تواند اقتصاد را متحول کند؟ و بالاتر از همه این موارد رسانه در دین مردم تأثیر گذار است

وسایل - در بحث رسانه های دینی از سویی نگاه دین مبین به رعایت کرامت انسانی است و هم از سوی دیگر میبینیم که امیرالمؤمنین وقتی یک استاندار یا فرماندارش اشتباهی

مرتکب می شد علنا داد می زدند، نامه می نوشتند، نامه هم سرباز بوده و همه متوجه می شدند، امروزه هم در رسانه ها به گونه ایست که خیلی آسان خبر در سطح وسیعی از کشور پخش می شود، حال سؤال این است که حد این کشف جرم و افشای آن از حیث فقهی چیست؟ برای مثال در بحث حقوق های نجومی و امثالهم آیا رسانه از حیث فقهی حق دارد نامی از این افراد بیاورد؟

هدف مشروع از افشاگری

اگر بخواهیم نام شخص خاصی را بیاوریم خب این که افشاء است و افشاء هم حکم اصلی و اولیه آن حرمت است مگر مواردخاص، اینجا باید اهم و مهم صورت گیرد، مثلا در بحث منافقین طبیعتا باید اینها را افشاء بکنیم چرا؟ چون آنجا یک لوازمی دارد و مهم هم می باشد، اما به عنوان قاعده کلی باید دید غرض از این که نام فلان شخص مطرح شود چیست؟ اصل مطلب را می خواهید یا خود شخص را؟ یعنی شما هدفتان چیست؟ هدف شرعی و مشروع یا هدف نامشروع؟ اگر هدف مشروع بدون آوردن نام متخلف محقق می شود دیگر دلیلی برای آوردن نام وی وجود ندارد، فرض کنید که خطا کرده است بالاتر از این که نیست خلاصه مسلمان است و نمی توانیم آبروی او را ببریم مگر آن جایی که خود شرع گفته است که آبروی او را ببر. به عنوان مثال برای تخلفات روحانیون دادگاه ویژه تاسیس شده است، اما دادگاه ویژه تخلفات و آسیب ها را به صورت کلی بیان می کند، چون اگر آسیب شناسی نشود ما نمی توانیم مقابله کنیم ما باید ببینیم میکروب ها چه چیزهایی هستند و خودمان را آماده کنیم برای مقابله با این میکروب، اما لزوم ندارد بیاید بگوید که آقای فلانی، فلان آیت الله، فلان حجت الاسلام، این مجاز نیست که چنین کاری را انجام بدهیم، در بحث رسانه نیز هم همین گونه است اینکه ما در رسانه بدون دلیل شرعی نامی از کسی بیاوریم قطعاً جایز نیست، ضمناً بسیاری از مواردی که این روزها در رسانه ها اعلام عمومی می شود تنها در حد اتهام است، یعنی هنوز جرمی به اثبات نرسیده است.

فراگیری افشا متناسب با فراگیری جرم

اما یک وقتی است که دادگاه پس از بررسی، جرم شخص را به اثبات می رساند، یعنی متهم تبدیل می شود به مجرم، اینجا هم محل بحث است که آیا می شود نام مجرم را اعلان عمومی نموده و آبروی او را برد؟ اینگونه نیست، این کار هم برای خودش ضوابط دارد، اینکه حضرت امیر نامه سرگشاده به استاندار خود میفرستد و او را توبیخ می کند بدین علت است که عمل استاندار باعث خدشه دار شدن حیثیت حکومت و به تبع آن حیثیت اسلام شده است در اینجا برای دفاع از حیثیت حکومت اسلامی آن شخص علنی تنبیه شود تا مردم اشتباهات مسیولین را به نام اسلام ننویسند. امیرالمؤمنین نامه می نوشتند علنی به استاندار و فرماندارش و می فرمود که تو چرا این کار را کرده ای؟ چون فرد کار را علنی کرده بود، امام افشای سر نکردند، کار علنی کرده بود، استاندارش رفته بود سر سفره اشراف و دید مردم را نسبت به اسلام و حکومت اسلامی بد کرده بود، یعنی آنها فکر کرده بودند که اسلام همین است که با زور مداران و با قدرتمندان بنشیننی و فقرا را فراموش بکنی، امیرالمؤمنین اینجا بایستی صدایش در بیاید، اما این برخورد برای هر گناه علنی نیست که فرضاً یک شخصی و لو علنی یک گناه علنی هم انجام داده اما در حدی نیست که ما او را در بوق و کرنا بکنیم، فرض کنید استاندار قم در یک جایی یک گناهی انجام داد ولو علنی، آیا باید برویم و همه اش را رسانه ای بکنیم؟ خب اینهم نیست باید جوانب را بسنجیم و آثارش را ببینیم، اولاً اگر علنی کاری انجام داده که اثر آن فراگیر است باید به همان تناسب اعتراضان هم فراگیر باشد اما حفظ حرمت و آبرو بشود.

اجازه سوء استفاده به دشمن داده نشود/ افشاگری موجب ایجاد شکاف بین

نیروهای خودی نشود

نکته دیگر اینکه جنبه استفاده سوء کردن دشمنان را در نظر بگیریم گاهی آنها می گویند که اینها بین خودشان هم اختلاف دارند پس بنابر این برای ما روشن شد که خیلی راحت می تواند از درون به آن ضربه وارد نمود، اینها سوژه های دشمن است لذا خیلی باید در بحث خبرنگاری، خبرگزاری، رسانه ها و فضای مجازی دقت شود که گاهی پر مشتری ترین رسانه ها آنهایی هستند که افشاء می کنند برای مثال زندگی خصوصی فوتبالیست یا یک هنرپیشه را افشاء می کنند، اینها هیچکدامش با ضوابط دینی نمیسازد، نمی خواهیم بگویم که اسلام افشاگری ندارد، چرا دارد اما در جای خودش، خطوط قرمز دارد «وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ» حد و حدود خدا را اگر کسی تجاوز بکند ظلم به نفس است و ظلم به نفس هم ظلم به خداست

تضعیف نظام جایز نیست

نکته دیگری که در بحث افشاگری ها میبایست لحاظ شود رعایت حرمت نظام و جلوگیری از تضعیف آن است، آیا بنده می توانم بروم بالای منبر و همه ضعف های نظام را بگویم؟ ما این را تجویز می کنیم؟ قطعا خیر، خدا رحمت کند مرحوم آیت الله تبریزی را که انسان مظلومی بودند از این جهت که اصلا ایشان را نشناختند، ایشان روزی پس از درس به بنده می گفتند که: «من امروز میخواستم در درس مسجد اعظم راجع به صدا و سیما به مطلبی را بگویم و انتقادی را مطرح کنم اما نگفتم، با خودم گفتم که اگر من این مطلب را بگویم تضعیف نظام می شود چرا که همین امشب بی بی سی حرفهای مرا بهانه ای برای کوبیدن نظام قرار می دهد ، دیدم حیف است نظام تضعیف شود»

دشمن شاد نشویم

از طرفی هم باید حواسمان باشد که کجاها را بگوئیم، چه چیزی را بگوئیم، آیا همه چیز باید بیاید در رسانه و فضای مجازی؟ این نیست، ضعف های زیادی است اما در دنیای زندگی می کنیم که دشمنان ما از ما زرنگ ترند و حواسشان جمع است یعنی سوژه می گیرند برعلیه ما ولو اینکه نیت ما ممکن است خیر باشد، این قاعده کلی اش است، بنده مصداق را نمی توانم تعیین بنمایم چون کار بنده نیست اما کلی اش این است که همه جا ضعف ها اعلام نشود و قطعا درست نیست. /924/ص